

طرح‌های سریالی، تخیلی و رویایی رضا پهلوی در عشق رسیدن به سلطنت در ایران!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

رضا پهلوی عزمش را جزم کرده است تا به هر بهایی عشق پی پایان خود برای رسیدن به سلطنت در ایران را حفظ کند. اما شوربختانه این عشق رضا پهلوی یک طرفه است و هیچ معشوقه‌ای در انتظار او نیست! رضا پهلوی برای رسیدن به این عشق رویایی و یک‌طرفه خود، بهر دری سر زده و به عبادتگاه‌ها از جمله دیوار ندبه اسرائیل نیز متوسل شد.

ماجرای حضور در پای دیوار ندبه، برای نیایش و برآورده شدن آرزوها و رویاها، شباهتی به حضور شیعیان بر سر چاه جمکران دارد که زیارت‌کنندگان ضمن دعا و ثنا، آروزها و خواسته‌هایشان را روی تکه کاغذی می‌نویسند و به چاه می‌اندازد. رضا پهلوی در سفر به اسرائیل به پای دیوار ندبه، دیوار مقدس یهودیان رفت. او، کلاه یهودیان بر سر گذاشت و در برابر این دیوار مقدس یهودیان، دعا خواند.



رضا پهلوی در حال نیایش در پای دیوار ندبه با کلاه مخصوص یهودی‌ها - اسرائیل

جالب است بدانید که اداره امور اسرائیل، عبادت زنان و مردان در پای دیوار ندبه را در کنار هم ممنوع می‌داند. فقط بخش کوچکی از دیوار ندبه را به زنان اختصاص داده‌اند.

نوشتن عریضه و قرار دادن آن در شکاف‌های دیوار ندبه، یک عمل مذهبی و سنتی در میان یهودیان است. این عمل به عنوان راهی برای ارتباط با خداوند و ابراز نیازها و درخواست‌ها در نظر گرفته می‌شود. افراد معتقدند که دعاها و عریضه‌های نوشته شده توسط دیوار ندبه به آسمان می‌رسند و مورد اجابت قرار می‌گیرند.

از اکتبر ۲۰۲۳، رضا پهلوی و حامیان‌ش آشکارا از جنگ و نسل‌کشی و بچه‌کشی اسرائیل در غزه، حمایت کرده‌اند. پس از حمله اخیر اسرائیل به ایران نیز گروهی از سلطنت‌طلبان طرفدار رضا پهلوی در شهر گوتنبرگ سوئد تجمع کردند و به رقص و پایکوبی دست زدند.

رضا پهلوی و همسرش در سفرشان به اسرائیل، با بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر، و دیگر مقامات دولت اسرائیل دیدار کردند. مشابه دیوار ندبه، جمکران و چاه عریضه رویاهای خرافی‌ست که در طول سال برای خواندن نماز و راز و نیاز با امام زمان (که ۱۴۰۰ سال است غیب شده است و مسلمانان منتظر ظهور او هستند) به جمکران می‌آیند و رز و نیازهای خود از طریق نامه و یا عبادت با او در میان می‌گذارند بدون این که نتیجه‌ای حاصل شود.

خبر مهمی که در اواسط سال ۱۳۸۴ در رسانه‌های ایران بازتاب پیدا کرد، این بود که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به نمایندگی از طرف دولت احمدی‌نژاد، میثاق‌نامه هیات وزیران را به چاه جمکران انداخت.

یهودی‌ها از حدود ۲۰۰۰ سال پیش، جمعه‌ها در کنار این دیوار دخیل می‌بندند و به خاطر تخریب معبد، گریه و زاری می‌کنند. این مکان از اون‌جایی که منتسب به سلیمان نبی پسر داوود نبی از پیامبران دین موسی (یهودیت) بود، و در روایت‌ها آمده است به دلیل این که عیسی مسیح دنباله‌روی شریعت موسی بود (بعدها تبدیل به پیامبر مستقل شد) و در نزدیکی این منطقه در یهودیه به دنیا آمد، هم برای یهودیان و هم مسیحیان مکانی مقدس تلقی می‌شد. اکنون رضا پهلوی شیعه نیز برای رسیدن به

عشق و آرزوهایش به این عبادتگاه پناه برده بود. البته به احتمال قوی، دست و دل بازی‌ها، کمک‌ها و قول‌های دولت اسرائیل، رضا پهلوی را برای شکرگزاری از دولت نتان‌یا هو نخست وزیر اسرائیل به این عبادتگاه کشانده بود! او از حمله اسرائیل به ایران شور و شوق تازه‌ای گرفته اما به محض این که جنگ و یا درگیری ۱۲ روزه بین دو حکومت جنگ‌طلب و نسل‌کش و کودک‌کش به آتش‌بس کشیده شد آن‌چنان دچار جنون شد که به طنز و واقعیت گفته شد کارش به سکتة قلبی و بیمارستان کشیده شد. هم‌زمان هوادارانش در خیابان‌های حمله اسرائیل به ایران را جشن گرفتند و پایان نیز به عزاداری پرداختند. در هر حال پایان عشق‌های یک‌طرفه به خصوص در عرصه سیاسی و قدرت به جنون و خودکشی هم منجر می‌گردد.



رضا پهلوی و همسرش یاسمین پهلوی به‌طور جداگانه در پای دیوار ندبه

اما رضا پهلوی در راه رسیدن به معشوق خود، همواره دچار بحران و سرگیجه سیاسی می‌شود و بسیار عامیانه و ناشیانه عمل می‌کند.

از جمله رضا پهلوی در یک سخنرانی گفته است:

«فعالیت‌های من بر اساس یک استراتژی و برنامه دقیق و مدون است که پنج ستون اصلی دارد. این پنج ستون عبارتند از:

- ۱) حمایت حداکثری از مبارزات ملت ایران
- ۲) فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی
- ۳) ریزش حداکثری از رژیم
- ۴) سازماندهی و بسیج کردن ایرانیان خارج از کشور با هدف تاثیرگذاری بر افکار عمومی و سیاستمداران و سیاستگذاران محل زندگی‌شان
- ۵) (ارایه چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی برای دوره گذار و بازسازی ایران.»

پس از این متن، بیانیه‌ای تحت عنوان «اصول و چارچوب همکاری احزاب، سازمان‌ها و افراد آزادی‌خواه و میهن‌پرست» منتشر شد که به گفته هوادارانش «محصول رایزنی‌ها در نشست همگرای مونیخ» بود. بند ۱۱ این متن می‌گوید «بر پایه خواست گسترده مردم ایران که در سال‌های اخیر در شعارها و پیام‌های آن‌ها جلوه‌گر شده است، ما شاهزاده رضا پهلوی را رهبر انقلاب ملی و دوران گذار، تا زمان شکل‌گیری نخستین مجلس ملی و آغاز به کار دولت دموکراتیک از طریق انتخابات آزاد می‌دانیم و با تمام توان از ایشان در این مسیر پشتیبانی خواهیم کرد.»

شاهزاده بی‌تجربه سیاسی ما، پس از انتشار این بیانیه با خوشحالی در برخی رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور ظاهر شد و با لبخند و غرور اعلام کرد؛ مردم ایران مرا به‌عنوان رهبر دوران گذار خود انتخاب کرده‌اند و من هم پذیرفته‌ام. پس کار تمام شده است و همه ملت ایران و همه سازمان‌های و احزاب اپوزیسیون موظفند گوش به فرمان باشند.

ریزش ادعایی رضا پهلوی از حکومت اسلامی، شاید منظورش مهدی نصیری و برخی از چماقداران سابق جمهوری اسلامی که ظاهراً از جمهوری اسلام قهر کرده و به صف یاران رضا پهلوی پیوسته‌اند. کسانی که در سرکوب و کشتار مردم ایران، سابقه طولانی دارند. نصیری فردی که در سفر کوتاهی به خارج کشور، پس از این که طرح «از شاهزاده تا تاجزاده» را به سلطنت‌طلبان ارائه داد و پس از دید و بازدید با افراد نزدیک به رضا پهلوی و شاید خود او، بدون هیچ مانعی به آغوش گرم جمهوری اسلامی برگشت و باز هم پس از مدتی، مجدداً از ایران خارج شد و این بار علنی‌تر از گذشته با چهره‌های قدیمی سلطنت‌طلب هم‌چون امیر طاهری در رسانه‌های سلطنت‌طلبان ظاهر می‌شود. آن‌ها همدیگر را «استاد استاد» خطاب

می‌کنند و یادآوری می‌کنند که یکی در دوران حکومت پهلوی و دیگری در دوران جمهوری اسلامی سردبیر کیهان بودند بنابراین، نقاط مشترک سیاسی زیادی با همدیگر در عرصه دولتی دارند!

همان‌طوری که سلطنت‌طلبان کارکشته‌ای هم‌چون امیر طاهری، هنوز هم پس از گذشته حدود نیم قرن، هنوز عشق به حکومت محمدرضاشاه پهلوی را در دل دارد؛ پول‌هایی که محمدرضا و خانواده و نزدیکانش از ایران خارج کرده بودند هم‌چنان به تجارت و خوش‌گذرانی مشغولند لابد در حال حاضر نصیری‌ها بیش‌تر از او، عشق به خامنه‌ای دارند. عناصر سابق جمهوری اسلامی و یا پوشیده امروز آن، هم‌چون نصیری، پاسپورت جمهوری اسلامی، سرمایه‌گذاری‌ها، آپارتمان‌ها و حساب‌های بانکی، ملک و مال و منال زیادی هم در داخل و خارج کشور در اختیار دارند. به عبارت دیگر، کسانی چون نصیری‌ها، احتمالاً ماموران دوجانبه هستند و از رضا پهلوی و سلطنت‌طلبان به‌عنوان ابزاری در راستای منافع خود بهره می‌گیرند.



دیدار نتانیاها و رضا پهلوی در یک مکان غیررسمی و بدون تشریفات

نهم بهمن ۱۴۰۳، رسانه‌های فارسی‌زبان از جمله رادیو فردا، اعلام کردند که «شاهزاده رضا پهلوی طی نشست در باشگاه ملی مطبوعات آمریکا از طرح خود برای سرنگونی و جایگزینی جمهوری اسلامی خبر داد.»

او روز سه‌شنبه ۹ بهمن ۱۴۰۳، در نشست درباره «دموکراسی و حقوق بشر در ایران» در باشگاه ملی مطبوعات آمریکا، ادعا بزرگی را پیش کشید و گفت که طرحش شامل «تجزیه رژیم و تسهیل جدایی‌ها، درگیر کردن مردم در داخل ایران، بسیج افکار عمومی جهان و ایرانیان خارج از کشور، همکاری با دولت‌های گروه ۲۰ برای اعمال فشار حداکثری بر رژیم و حمایت حداکثری از مردم است.»

رضا پهلوی توضیح نداد این طرح چگونه اجرا خواهد شد؛ به‌خصوص که روسیه و چین، دو کشور عضو گروه ۲۰، با جمهوری اسلامی روابط نزدیکی دارند.

او افزود طرحش در نهایت، آماده‌شدن برای گذار و بازسازی اقتصادی و سیاسی ایران خواهد بود.

رضا پهلوی در ادامه «زمان کنونی» را فرصتی برای بازسازی تاریخی خاورمیانه دانست و گفت این تنها زمانی می‌تواند اتفاق بیفتد که به گفته او، از «شر جنگ‌افروز اصلی جهان، جمهوری اسلامی خلاص شویم.»

رضا پهلوی، پیش‌تر در پیامی به‌مناسبت آغاز به کار دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ، بر اهمیت ادامه فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی و حمایت از مردم ایران تأکید کرده بود.

او اواخر آبان نیز در پیامی ویدئویی با بیان این که «تحولات جهانی و منطقه‌ای، فرصت تازه‌ای را برای ... نجات ایران پیش روی ما قرار داده است»، گفت که «آمادگی خود را برای هدایت این تغییر، و رهبری دوران گذار اعلام می‌کنم.»

پس شاهزاده ما، همواره در کمین نشست است تا از هر فرصتی بهره گیرد و در رسانه‌هایی که بلندگویشان را در مقابل او قرار می‌دهند با صدای بلند اعلام کند: «آمادگی خود را برای هدایت این تغییر، و رهبری دوران گذار اعلام می‌کنم.»

چه کسی در اپوزیسیون جمهوری اسلامی، به خودش جرات می‌دهد تا بی‌مهابا و «جسورانه» همانند رضا پهلوی خود را «رهبر دوران گذار» کاندید کند؟

پیش از این نیز باز هم رادیو فردا، نوشته بود:

«شاهزاده رضا پهلوی، ولیعهد پیشین ایران، روز پنج‌شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۳، در یک پیام ویدئویی تازه، با ذکر این که «تحولات جهانی و منطقه‌ای، فرصت تازه‌ای را برای ... نجات ایران پیش روی ما قرار داده است»، اعلام کرد که «آمادگی خود را برای هدایت این تغییر، و رهبری دوران گذار اعلام کرده‌ام.»

او درباره چگونگی راهبری این «دوران گذار» نیز توضیح داد که قصد دارد «توان و نیروی» خود را «در مسیر استقرار دولتی ملی، و جلب حمایت حداکثری جهانی برای تحقق آن» به کار بگیرد.

رضا پهلوی سال گذشته در یک مصاحبه تأکید کرده بود که در صورت تغییر حکومت در ایران، «هیچ جاه طلبی شخصی» برای رسیدن به قدرت ندارد و قصد دارد در روند تقویت جامعه مدنی در کشور و رسیدن به دموکراسی، تنها نقش «تسهیل کننده» داشته باشد.

پهلوی پیش از این نیز تأکید داشته است که او سودای پادشاهی در سر ندارد و گزینش نوع حکومت آتی ایران، در صورت سقوط حکومت فعلی، «تنها بر عهده ملت ایران است.»

ولیعهد پیشین ایران، در ادامه پیام ویدئویی روز پنجشنبه خود، دوره کنونی را «دوره حساس» و «فرصت نو» نامید و گفت که اکنون «جمهوری اسلامی از هر زمان دیگری ضعیف تر است.»

اشاره رضا پهلوی در مورد تضعیف حکومت جمهوری اسلامی می تواند به تضعیف گروه های مورد حمایت جمهوری اسلامی در منطقه به دلیل حملات پی در پی اسرائیل، و همچنین تضعیف سپر پدافندی حکومت ایران پس از حمله هوایی مستقیم اسرائیل به این زیرساخت ها باشد.

اشاره او به «دوره حساس» و «فرصت نو» نیز می تواند مربوط به پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ایالات متحده باشد که سیاست خود را «فشار حداکثری» بر حکومت جمهوری اسلامی از طریق افزودن بر تحریم ها اعلام کرده است.

پیش از این در ۱۹ اسفند ۱۴۰۱، شش چهره شناخته شده مخالف جمهوری اسلامی شامل رضا پهلوی، شیرین عبادی، حامد اسماعیلیون، مسیح علی نژاد، عبدالله مهدی و نازنین بنیادی، منشوری با عنوان «همبستگی و سازماندهی برای آزادی ایران» منتشر، و هدف از آن را «ایجاد همدلی برای پیروزی انقلاب «زن زندگی آزادی» و سرنگونی جمهوری اسلامی و رسیدن به ایران آزاد و دموکراتیک» اعلام کردند.

پس از انتشار این منشور، بسیاری از نیروها و فعالان سیاسی داخل و خارج کشور و مهم تر از همه جنبش های اجتماعی، نسبت به مسئله «رهبری» شدن جنبش «زن زندگی آزادی» از خارج از کشور و آن هم توسط شش نفر با تجارب و گذشته های بسیار متناقض و تاریک، آن را شوخی نامیدند. عمر این منشور بیش تر از ۶۷ روز دوام نیافت و رضا پهلوی صوت پایان آن را کشید و هوادارانش به شنیع ترین شکلی به جان این پنج نفر افتادند و هرچه در فرهنگ متدل سیاسی-فرهنگی خود داشتند نثار آن ها کردند.

پس از آن در ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲، نازنین بنیادی، از چهره های مخالف جمهوری اسلامی، در توثیقی اعلام کرد که از ائتلاف «منشور همبستگی و سازماندهی برای آزادی ایران» معروف به «منشور مهسا» کناره گیری کرده است.

پیش از تشکیل «منشور مهسا»، رضا پهلوی روز ۱۳ خرداد ۱۴۰۱ هم زمان با سال مرگ روح الله خمینی، بنیان گذار جمهوری اسلامی، در پیامی تلویزیونی، ادعا کرده بود که بزرگ ترین «اپوزیسیون و آلترناتیو جمهوری اسلامی، ملت ایران» است و خواستار اولویت بخشی به ایجاد سازوکاری هماهنگ کننده برای مدیریت جنبش های اعتراضی و اعتصابات در ایران شده بود.

در حالی که بین این شش نفر غیر از عبدالله مهدی که سابقه سیاسی طولانی دارد و از جمله از زندانیان سیاسی دوران حاکمیت پدر رضا پهلوی بوده است بقیه هیچ تجربه سازماندهی سیاسی و تشکیلاتی نداشتند. پس می بینیم که این ادعاهای رضا پهلوی چه قدر بی پایه و اساس و دورغین هستند!

رضا پهلوی در ادامه ادعاهای خود، ۱ تیر ۱۴۰۴، در مصاحبه با ایران اینترنشنال اعلام کرد زمان قیام نهایی علیه جمهوری اسلامی به زودی فرا می رسد و مردم ایران باید برای آن آماده باشند.

رضا پهلوی گفت در پی حملات اخیر اسرائیل و آمریکا، ساختار نظامی و مدیریتی جمهوری اسلامی از هم فروپاشیده و این حکومت که اکنون در ضعیف ترین موقعیت خود قرار دارد، به آستانه سقوط رسیده است.

او افزود علی خامنه ای «مانند موشی در سوراخ پنهان شده»، خانواده های مقام های نظام در حال برنامه ریزی برای خروج از کشور هستند، دستگاه سرکوب بخش قابل توجهی از توان خود را از دست داده و اقدام حکومت در قطعی اینترنت نشان می دهد جمهوری اسلامی به شدت از قیام مردم ایران واهمه دارد.

رضا پهلوی تأکید کرد: «مردم ایران باید بدانند علی رغم تمام سختی ها و دشواری ها و آنچه که تا به حال بهایش را پرداخت کرده اند، بالاخره زمانش را خواهند داشت تا قیام نهایی را انجام دهند.»

رضا پهلوی در مصاحبه با ایران اینترنشنال، بار دیگر از نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی خواست راه خود را از حکومت جدا کنند و به ملت ایران بپیوندند، زیرا بدین صورت هم خود نجات پیدا می کنند و هم به فروپاشی رژیم و سپس بازسازی ایران یاری می رسانند.

او به نیروهای نظامی و امنیتی هشدار داد سران بلندپایه جمهوری اسلامی به زودی از کشور خواهند گریخت و اگر این نیروها در پیوستن به مردم تعلق کنند، به عنوان همدستان نظام در آسیب زدن به کشور شناخته خواهند شد. او خطاب به نظامیان در ایران گفت: «از خود بپرسید آیا این یونیفرمی که به تن کرده‌اید، برای خدمت به مردم است یا برای...»

«شاهزاده رضا پهلوی: حدود ۲۰ هزار نیروی نظامی و دولتی به کارزار همکاری ملی پیوسته‌اند.»
رضا پهلوی گفت طی یک هفته گذشته نزدیک به ۲۰ هزار نیروی نظامی، انتظامی، امنیتی و دولتی به کارزار «همکاری ملی» پیوسته‌اند.

او روز شنبه، ۵ ژوئیه ۲۰۲۵ - ۱۴ تیر ۱۴۰۴، ضمن بیان این خبر افزود: «داده‌ها در حال بررسی، راستی‌آزمایی و پالایش است و فرایند ارتباط‌گیری، در حال اجرا است.»

او در ادامه از نیروهایی که هنوز به این کارزار نپیوسته‌اند، خواست که هر سریع‌تر اقدام کنند و خاطرنشان کرد: «یادآوری مهم QR-Code پیوستن به کارزار همکاری ملی را تنها از صفحه تلویزیون در هنگام پخش از شبکه ایران اینترنشنال اسکن و پس از آن، فرم را با رعایت نکات امنیتی مندرج در بالای آن پر کنید. از انتشار، اسکن و پر کردن هر گد و فرم دیگر به صورت آنلاین یا از طریق شبکه‌های اجتماعی اکیدا خودداری کنید.»

رضا پهلوی این کارزار را یکشنبه ۲۹ ژوئن ۲۰۲۵ - ۸ تیر ۱۴۰۴، با هدف «ریزش حداکثری» نیروهای نظامی، امنیتی و دولت از بدنه جمهوری اسلامی راه‌اندازی کرد و کارزار همکاری ملی را «یک کانال ارتباطی امن» نامید. (منبع: اپک تایمز، ۱۴ تیر ۱۴۰۴)

ادعاهای پوچ و بی‌معنی و متناقض رضا پهلوی در رسانه‌های مختلف فارسی‌زبان خارج کشور و در نشست‌هایش، هم‌چنان تکرار می‌شود.

چهارشنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۳، «رضا پهلوی درباره طرح خود برای براندازی رژیم ایران گفت، مردم از او رهبری دوران گذار را طلب کرده‌اند.» رضا پهلوی در این سخنرانی گفت که مردم از او خواسته‌اند تا «رهبری» این گذار را برعهده بگیرد و با پذیرش این درخواست آمده است تا «وظیفه» خود را انجام دهد.

سخنان رضا پهلوی در شبکه‌های اجتماعی انعکاس زیادی داشت و با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شد. گروه بزرگی از سلطنت‌طلبان با اشتیاق از آن استقبال کردند. برخی به شدت انتقاد کردند و گروهی نیز پرسیدند در کدام همه‌پرسی و با استناد به کدام شواهد در مبارزات کف خیابان او مدعی است که «مردم وی را به رهبری انتخاب کرده‌اند.»

رضا پهلوی، روز ۳۰ بهمن ۱۴۰۳، در یک سخنرانی در نشست حقوق بشر ژنو استراتژی خود را برای «براندازی حکومت جمهوری اسلامی و بازسازی ایران» را از دیدگاه خود مطرح کرد.

پهلوی در این سخنرانی گفت: «به درخواست هموطنانم، من به جلو می‌آیم تا این جنبش و انتقال را رهبری کنم. نه برای خودم، نه برای پست یا قدرت، بلکه به خاطر انجام وظیفه‌ام به‌عنوان یک میهن‌پرست.»

پهلوی استراتژی خود برای «براندازی این رژیم و بازسازی ایران» را روشن خواند و ادعا کرد: «بسیج شبکه‌های مردمی در داخل ایران؛ متحد کردن ایرانیان دیاسپورا در تبعید؛ فشار بر دولت‌های G20 برای اعمال فشار حداکثری بر رژیم و ارائه پشتیبانی حداکثری به مردم ایران؛ ایجاد شکاف در رژیم و تشویق به ریزش؛ و آماده‌سازی برای ثبات سیاسی، انتخابات دموکراتیک، و توسعه و بازسازی اقتصادی ایران.»

او ادعا کرد: «ما فقط علیه جمهوری اسلامی نمی‌جنگیم. ما برای ایران می‌جنگیم. بنابراین بگذارید واضح بگویم: ما هرگز، هرگز اجازه نخواهیم داد که کشورمان تکه تکه شود.»

رضا پهلوی، در جواب به نگرانی‌های مربوط به آینده ایران پس از فروپاشی جمهوری اسلامی، ادعا کرده است: «نگران فردای پس از سقوط جمهوری اسلامی نباشیم. ایران دچار جنگ داخلی و بی‌ثباتی نخواهد شد. ما برای آینده ایران و شکوفاییش برنامه داریم. ما برای صد روز نخست پس از سقوط، دوران گذار، و استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک، برای ملت ایران و به دست ملت ایران، آماده‌ایم.»

پهلوی در ادامه ادعاهای خود، در یکی از پیام‌های خود خطاب به نیروهای نظامی، انتظامی، امنیتی و دولتی که به گفته او برایش پیام می‌فرستند، گفت: «برای حفظ رژیمی که سقوط آن آغاز شده و حتمی است، روبروی ملت ایران نایستید. خود را فدای رژیم پوسیده نکنید. با ایستادن در کنار ملت، جان خود را حفظ کنید. در گذار از جمهوری اسلامی نقشی تاریخی ایفا کنید؛ و در ساختن آینده ایران سهیم باشید. ایران آزاد و آباد پیش روی ماست. باشد که به زودی در کنار شما باشیم.»

پروژه ققنوس؛ مهم‌ترین پروژه استادان رضا پهلوی بود که با هدف گردهم آوردن سلطنت‌طلبان قدیمی و جدید حول رضا پهلوی بود، در نهایت با شکست مواجه شد و برخی از اعضای اصلی آن از پروژه جدا شدند. پروژه ققنوس که تلاشی برای گردهم آوردن سلطنت‌طلبان قدیمی، حول رضا پهلوی و زیر یک چتر بود، پس از ۸ ماه از آغاز فعالیت، دچار ریزش شده و با شکست مواجه گردید.

الهی‌ار کنگرلو، موسس و مدیر پروژه ققنوس و عطا هودشتیان، مدیر و سرپرست روابط بین‌المللی این گروه با اعلام خروج خود گفتند برنامه‌های این گروه با خواسته‌ها و ضرورت‌های آن‌ها هم‌خوانی ندارد، هدف از تشکیل ققنوس جذب نخبگان علمی ایرانی بود اما به دلیل آن‌که در میان نخبگان علمی ایرانی جذابیتی پیدا نکرد، اولین کسی که از این گروه خارج شد شخص موسس این گروه بود.

در حالی این پروژه مهم رضا پهلوی برای تثبیت رهبری اپوزیسیون با شکست مواجه شد که پیش از این نیز در پروژه فرشگرد ناکام ماند.

با این وجود، رضا پهلوی در گفت‌وگوی خود با شبکه فاکس نیوز درباره نقش خود در آینده ایران گفت: «من به هموطنانم گفته‌ام که ماموریت اصلی من در زندگی این است که به آن‌ها کمک کنم آینده‌ای متفاوت را رقم بزنند؛ آینده‌ای که در آن یک سیستم سکولار و دموکراتیک جایگزین این دیکتاتوری دینی شود. من پیشنهاد داده‌ام که در دوران انتقال رهبری را در دست بگیرم تا این تغییر به وقوع بپیوندد.»

کمپین «من وکالت می‌دهم» در فضای مجازی آغاز شده بود و غیر از سلطنت‌طلبان، برخی چهره‌های فرهنگی و اجتماعی، رضا پهلوی را برای ایفای نقش آن‌چه گذار از جمهوری اسلامی خوانده می‌شود معرفی کردند. این کمپین سرآغاز اختلافات و دعوای جدید میان شخصیت‌ها و گروه‌های سلطنت‌طلب شد و همانند پروژه‌های قبلی، به تاریخ سپرده شد.

ابتکار تازه شاهزاده رضا پهلوی برای ثبت نام از نیروهای نظامی و انتظامی داخل ایران با عنوان «کارزار همکاری ملی» از طریق یک کد «کیو آر» به بحث‌های فراوان در میان گروه‌های منتقد و مخالف جمهوری اسلامی دامن زده است.

شکست کمیته مهسا، از همه دلت‌بار و شرم‌آور برای اعضای این کمیته بود. این فراخوان در بحبوحه حمله اخیر اسرائیل به ایران از سوی پهلوی برای پیوستن نیروهای مسلح به مردم مطرح شد و واکنش‌های متفاوتی هم برانگیخت.

از یک‌سو، منتقدان با اشاره به خطرات جدی امنیتی و احتمال افشای هویت افراد، این اقدام را محکوم کرده و آن را در راستای همکاری با قدرت‌های خارجی هم‌چون اسرائیل تفسیر کردند.

از سوی دیگر، حامیان این طرح آن را حرکتی راهبردی برای سازماندهی مخالفان جمهوری اسلامی می‌دانند و معتقدند فشار خارجی ناشی از حملات اسرائیل می‌تواند رژیم را تضعیف کرده و زمینه را برای یک خیزش سراسری فراهم سازد. ناگفته نماند که این پروژه، عملاً نفوذ نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در میان سلطنت‌طلبان را تسریع کرده است.

اموال خانواده پهلوی

اموالی که خانواده پهلوی چه پهلوی‌های پدر و پسر و چه خواهران و برادران و فامیل از ملت ایران غارت کردند و مستغلات و دارایی‌های آن‌ها فهرستی بسیار طولانی است.

روزنامه فایننشال تایمز در دوره جنبش معروف به «بهار عربی»، در گزارشی به مناسبت قیام‌های موجود در کشورهای عربی، میزان دارایی‌های خارج کرده از سوی دیکتاتورهای فراری از کشورهای مختلف را بررسی و اعلام کرد: محمدرضا پهلوی، شاه سابق ایران ۳۵ میلیارد دلار (۴۰ سال پیش!) دارایی از ایران خارج کرده است. نگاهی به برخی فعالیت‌های افراد نزدیک به محمد رضا شاه بعد از سرنگونی سلطنت نشان می‌دهد رقم‌ها بیش از این است. اسناد و مدارک موجود در ایران نشان می‌دهد بخشی از املاک محمدرضا پهلوی در ایران شامل ۲۲۰ هکتار زمین قبل از خروج او از کشور در سال ۵۷ به فروش رفته و به صورت ارز از کشور خارج شده بود. با این حال بر اساس آمارهایی که روزنامه‌ها و نشریات آمریکایی منتشر کردند ثروت شاه شبکه پیچیده‌ای از شرکت‌ها، بنیادها، حساب‌های بانکی، زمینی در کوستادل سول اسپانیا، ویلاهای در سنت موریس سوئیس که بعدها سیلیوی برلوسکونی آن را خرید و املاکی در نقاط مختلف دنیا بود.

درباره دارایی‌های ملی که شاه و خانواده‌اش از سال‌ها قبل از انقلاب بویژه در ماه‌های آخر رژیم از ایران خارج کرده‌اند، اردشیر زاهدی از محرمان دربار پهلوی، چنین نوشته است: «دادستان تهران در زمان شریف امامی فهرست دقیقی از افرادی که پول‌هایی را به شکل ارز خارج کرده بودند، استخراج کرد. در میان این فهرست شخص اعلی حضرت به خروج ۳۱ میلیارد دلار از کشور متهم شده بود.» این سخن را فردی بر زبان رانده که وزیر امور خارجه و آخرین سفیر ایران در آمریکا در دوره محمدرضا پهلوی و داماد او بوده است.

اردشیر زاهدی، تنها مقام رسمی حکومتی بود که در زمان بیماری محمدرضا شاه در دوره آوارگی با او بود و برای اقامت محمد رضا شاه در آمریکا خیلی تلاش کرد. بر اساس اسناد و مدارک موجود، در بحبوحه انقلاب و در حالی که بسیاری از ادارات در اعتصاب به سر می‌بردند، کارکنان بانک مرکزی، در پانزدهم آذرماه ۵۷، صورت کسانی که طی ۲ ماه شهریور و مهر ۱۳۵۷ ارز از مملکت خارج کرده بودند را منتشر کردند. در این لیست بیان شده بود که کدامیک از مقامات دولتی و حکومتی حدود ۱۳ میلیارد دلار از ثروت‌های خود را به صورت ارز از کشور خارج کرده بودند.

با این اوصاف مسابقه غارت اموال مردم ایران تنها یک رقابت بین روحانیون حاکم بر ایران و آقازاده‌ها نبوده، بلکه بدون شک خاندان پهلوی و آقازاده‌ها نیز در این غارت ید طولانی دارند. رضا پهلوی، آقازاده پدر دزدشان، به مردم پز می‌دهد و در تلاش است خود را به عنوان «شاهزاده» و «رهبر» به مردم ایران غالب کند.

محمدرضا شاه، پدر رضا پهلوی یک دیکتاتور تمام عیار و به شدت خرافی بود. شاه داستانی از دوران کودکی خود تعریف کرده و سعی می‌کند آن را دلیلی بر برتری خود نسبت به سایرین بداند. او داستان شفا دادن خود توسط علی امام اول شیعیان را چنین تعریف می‌کند: «در یکی از شب‌های بحرانی کسالتم مولای متقیان علی علیه‌السلام را به خواب دیدم که در حالی که شمشیر معروف خود ذوالفقار را در دامن داشت و در کنار من نشسته بود، در دست مبارکش جامی بود و به من امر کرد که مایعی را که در جام بود بنوشم. من نیز اطاعت کردم و فردای آن روز تبم قطع شد و حالم به سرعت رو به بهبود رفت.»

شاه که در سال‌های بعد هم از برخی ترورها جان سالم به در می‌برد، در سال‌های آخر عمر و سلطنتش خود را آسیب‌ناپذیر دانسته و مانند هیتلر معتقد بود نیروی الهی او را همواره از خطر نجات می‌دهد تا او بتواند ماموریتش را به سرانجام برساند: «شامه من بسیار قوی است. حتی روزی که از فاصله ۱۸۰ سانتی متری به من تیراندازی کردند، حس بویایی من بود که نجاتم داد. وقتی ضارب فشنگ‌هایش را به طرف من خالی می‌کرد، من با رقص صاعقه‌وار بوکسورها خودم را نجات دادم. ثانیه‌ای قبل از این که قلب مرا نشانه برود، خود را آن چنان جابجا کردم که فشنگ به شانه من اصابت کرد. یک معجزه. من به معجزه اعتقاد دارم. اگر خوب فکر کنید پنج فشنگ به بدن من اصابت کرده بود؛ یکی به صورت یکی به شانه، یکی به سر، دو تا به بدن و یکی هم در لوله هفت تیرگیر کرده بود. باید به معجزه اعتقاد داشت. من با حوادث بی‌شمار هوایی روبه‌رو شده‌ام، ولی همیشه سلامت بیرون آمده‌ام. آن هم به خاطر یک معجزه و خواست خدا و پیغمبران. شما را ناباور می‌بینم.»

از دیگر مواردی که شاه مدعی است مورد توجه ائمه اطهار و فرزندان ائمه قرار گرفته، به جریان سفر او به امامزاده داود باز می‌گردد. او می‌گوید که در یکی از این سفرها در حالی که او و خانواده‌اش سوار بر اسب مسیر پر پیچ و خم امامزاده را می‌پیمودند، ناگهان پای اسبی که او بر آن سوار بود لغزید و او با سر به روی سنگی سخت و ناهموار پرتاب شد، اما هیچ آسیبی ندید: «همراهان من از این که هیچ‌گونه صدمه‌ای ندیده بودم، فوق‌العاده تعجب می‌کردند. ناچار برای آن‌ها فاش کردم که در حین فرو افتادن از اسب، حضرت ابوالفضل (ع) فرزند برومند حضرت علی (ع) ظاهر شد و مرا در هنگام سقوط گرفت و از مصدوم شدن مصون داشت.» (محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، تهران، انتشارات شهرآب، ۱۳۷۱، ص ۹۶)

او حتی در کتاب «پاسخ به تاریخ» پا را از این فراتر می‌گذارد و مدعی می‌شود که با امام زمان دیدار کرده است:

«در کودکی واقعه‌ای که توجه مرا به عالم معنی بیش از پیش جلب نمود، روزی روی داد که با مربی خود در کاخ سلطنتی سعدآباد در کوچه‌ای که با سنگ مفروش بود قدم می‌زدم. در آن هنگام ناگهان مردی را با چهره ملکوتی دیدم که بر گرد عارضش هاله‌ای از نور مانند صورتی که نقاشان غرب از عیسی بن مریم می‌سازند، نمایان بود. در آن حین به من الهام شد که با خاتم ائمه اطهار حضرت امام قائم رو به رو هستم. مواجهه من با امام آخر زمان چند لحظه بیش‌تر به طول نینجامید که از نظر ناپدید شد و مرا در بهت و حیرت گذاشت. در آن موقع مشتاقانه از مربی خود سؤال کردم: او را دیدی؟ مربی متحیرانه جواب داد: «چه کسی را دیدم؟ این‌جا که کسی نیست! اما من این قدر به اصالت و حقیقت آن‌چه که دیده بودم اطمینان داشتم که جواب مربی سالخورده من کوچک‌ترین تاثیری در اعتقاد من نداشت.» (محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، تهران، انتشارات شهرآب، ۱۳۷۱، ص ۹۷)

شاه هم‌چنین در مصاحبه با اورینا فالچی ادعا می‌کند که در جریان سفرش به امام زاده داوود زمانی که از اسب به زمین افتاده و هیچ‌گونه آسیبی ندیده و اطرافیانش از این رخداد شگفت زده شدند: «ناچار برای آن‌ها فاش کردم که در حین فرو افتادن از اسب، حضرت ابوالفضل (ع) فرزند برومند حضرت علی (ع) ظاهر شد و مرا در هنگام سقوط گرفت و از مصدوم شدن مصون داشت.» (اورینا فالچی، مصاحبه با تاریخ‌سازان جهان، تهران، انتشارات اساطیر، ص ۸۷)

همین خرافی بودن محمدرضا پهلوی به تقویت حوزه‌های علمیه و مساجد سراسر کشور و آیت‌الله‌ها منجر شد به همین دلیل به‌نوعی می‌توان گفت که شاه و حکومتش در به قدرت رسیدن مذهبیون در انقلاب ۱۳۵۷، البته با سرکوب خونین انقلاب مردم، نقش اساسی داشت.

نتیجه‌گیری

با گذشت بیش از چهار دهه و نیم از سقوط سلطنت پهلوی، هم‌چنان برخی از بازماندگان این حکومت تلاش می‌کنند خود را به‌عنوان ناجیان ایران معرفی کنند. رضا پهلوی، یکی از این چهره‌هاست که مدعی رهبری اپوزیسیون شده و در تلاش است تا نقشی کلیدی در آینده سیاسی ایران ایفا کند. اما عملکرد و گفتار او نشان می‌دهد که این ادعاها چیزی جز یک توهم سیاسی نیست.

یکی دیگر از مهم‌ترین توهمات رضا پهلوی و حامیان سلطنت‌طلب او، ناتوانی در درک تغییرات اجتماعی و سیاسی ایران است. انقلاب ۵۷، صرفاً یک تغییر حکومت نبود، بلکه نتیجه یک تحول فکری و اجتماعی عمیق بود که نشان داد مردم ایران دیگر حاضر نیستند تحت یک نظام سلطنتی، هرچند با ظاهری مدرن‌تر، زندگی کنند. همین مردم هم‌اکنون نیز نشان داده‌اند که حاضر نیستند تحت نظام مذهبی و رهبری زندگی کنند. آن‌ها به دنبال ساختن جامعه مدرنی هستند که در آن نه شاه و شیخ و نه یک حزب، بلکه همه شهروندان ایران در فضای آزاد و برابر، از طریق جمعیت‌ها و نهادها و شوراهای مختلف خودساخته‌شان، در همه امور اداری، سیاسی، اقتصادی، آموزشی و پرورشی، بهداشت و درمان، امنیت کشور و عرصه‌های دیپلماتیک بین‌المللی دخیل باشند. این هم کابوس بزرگ برای بسیاری از سازمان‌ها و احزاب سیاسی، به‌ویژه سلطنت‌طلبان است!

رضا پهلوی آگاهانه یا ناخودآگاه، عملاً تبدیل به ابزاری در محافل دولتی به ویژه دولت اسرائیل تبدیل شده که نفع آن به تداوم جمهوری اسلامی می‌رسد. با سوءاستفاده از «رضا پهلوی»، جمهوری اسلامی اپوزیسیون خارج کشور را به دولت‌ها منتسب می‌کند. جمهوری اسلامی با پررنگ کردن کاذب نقش رضا پهلوی و آن هم در مقاطع خاص و حساس، به نفع خود و به ضرر اپوزیسیون سرنگونی‌طلب و آزادی‌خواه استفاده می‌کند.

او در عین حال، رسماً دولت موجود آمریکا و ترامپ را قاضی تشخیص اپوزیسیون «دمکرات» و حامی صلح در خاورمیانه، اعلام می‌کند؟! آیا رضا پهلوی، نقش شریک دزد و رفیق قافله را بازی نمی‌کند؟ سعید قاسمی‌نژاد، مشاور ارشد رضا پهلوی، صریحاً از حمله نظامی اسرائیل به ایران دفاع کرد و به ارتش اسرائیل هم توصیه نمود چه مراکزی را در حمله به ایران هدف قرار دهد.

با این وجود، اما رضا پهلوی، هم‌چنان از پذیرش این واقعیت سر باز می‌زند و در تلاش است که با تکیه بر نوستالژی بیمارگونه و جنون‌آمیز سلطنت‌طلبان، خود را به‌عنوان یک «ناجی» و وارث تاج و تخت نشان دهد. معرفی کند. تاج و تختی که ۴۶ سال است به تاریخ پیوسته است.

نهایتاً، رضا پهلوی و پهلوی‌گرایان آگاهند که اولاً قدرت بسیج سیاسی در جامعه ایران را ندارند به همین دلیل، به حایتهای اسرائیل و آمریکا نیاز دارند تا با جنگ و کشتار جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و رضا پهلوی و حامیانش را به قدرت برسانند. البته در این راستا، سلطنت‌طلبان رقبای جدی به خصوص در میان ملت‌های تحت ستم ایران دارند. مهم‌تر از همه، اگر جمهوری اسلامی با قدرت و انقلاب مردم ایران سرنگون شود شانس‌شان برای احیای سلطنت به کلی خواهد سوخت. در واقع وضعیت سیاسی رضا پهلوی، مانند فرماندهی می‌ماند که هیچ سرباز و لشکری برای جنگیدن ندارد در نتیجه در بازار مکاره سیاسی خود، گیج و منگ می‌چرخد. آن‌هم در حالی که اکثریت مردم ایران از شاه و شیخ نفرت دارند و علاقمند هستند بدون دخالت خارجی و آقابالاسر، مستقیماً خودشان جامعه‌شان را آن‌طوری که دوست دارند به شکل دموکراتیک مدیریت کنند.

سه‌شنبه بیست و چهارم تیر ۱۴۰۴ - پانزدهم ژوئیه ۲۰۲۵